

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی
سال ششم، شماره پیاپی ۷، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱/۲۹
صص ۱۷-۳۲

زباله پراکنی به مثابه بی‌نظمی اجتماعی (آزمون نظریه پنجره شکسته)

علی اصغر فیروزجاییان، استادیار، گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران، ایران*
زهرا سعادت‌چی چافی، دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات جوانان، دانشگاه مازندران، ایران

چکیده

هدف این پژوهش، تحلیل زباله پراکنی به صورت شاخصی از بی‌نظمی اجتماعی و روش آن پیمایش بوده است. اطلاعات از میان گردشگران استان مازندران از طریق پرسش‌نامه جمع‌آوری شده و تعداد نمونه ۳۸۴ نفر بوده است که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند. نظریه استفاده‌شده در این مقاله نیز نظریه پنجره شکسته است و اطلاعات به وسیله نرم‌افزار spss و amos تحلیل شده‌اند. نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می‌دهد که بین زباله پراکنی به شکل مصداقی از رفتار بی‌نظمی اجتماعی گردشگران و عواملی چون کنترل اجتماعی ضعیف، زباله پراکنی دیگران، محیط کثیف، ارزیابی مثبت به زباله‌ریزی و بی‌مسئولیتی زیست‌محیطی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ چنان‌که این متغیرها موجب تقویت زباله پراکنی در میان گردشگران می‌شود. آزمون مدل نظری نیز نشان‌دهنده این موضوع است که این متغیرها ۲۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: زباله پراکنی، فراغت انحرافی، بی‌نظمی، نظریه پنجره شکسته.

مقدمه و بیان مسئله

در دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم گردشگری، رشد فزاینده‌ای داشته و در مقایسه با دیگر بخش‌های اقتصادی رشد سریعی در قلمرو اقتصاد جهانی به دست آورده است (Hara, 2008: 2325) تا حدی که امروزه گردشگری به صورت یکی از پیشروترین فعالیت‌های در حال رشد دنیا و ابزاری برای افزایش درآمد ملی کشورها محسوب می‌شود (استعلامی، ۱۳۹۰: ۱۳۰). گذشته از این، امروزه حجم درآمدهای ناشی از کسب و کار گردشگری نسبت به درآمدهای نفتی، صادرات مواد غذایی و صنایع اتومبیل‌سازی روبه‌افزایش است (Harms, 2010: 111) از نظر آمار و ارقام نیز گردشگری رشد پیوسته‌ای داشته؛ به طوری که در طی سال‌های اخیر گردشگری بین‌المللی با میزان رشد سالانه ۶/۵ درصد، از ۲۵ میلیون گردشگر در سال ۱۹۵۰ به ۸۰۶ میلیون در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است. این افزایش به گونه‌ای بوده که در سال ۲۰۱۵ شاهد رشد روزافزون ۴ درصدی گردشگری بوده‌ایم و طبق پیش‌بینی‌های رسمی سازمان جهانی گردشگری^۱ تا سال ۲۰۲۰ تعداد گردشگر ورودی در جهان به ۱/۵ میلیارد نفر خواهد رسید. (۲۰۱۵). با توجه به فراهم شدن بیشتر زیرساخت‌ها برای سفر (راه‌های ارتباطی، وسایل حمل و نقل و...) و نیاز به گذراندن اوقات فراغت در میان مردم، گردشگری به فضای جدی برای گذراندن اوقات فراغت افراد در سراسر دنیا تبدیل شده است؛ بنابراین، شاهد گسترش روزافزون آن هستیم.

گردشگری به بُعد بین‌المللی آن خلاصه نمی‌شود؛ بلکه گردشگری داخلی به خصوص در کشور ما اهمیت زیادی دارد. گردشگران داخلی کسانی هستند که با اهداف مختلف در داخل مرزهای سرزمینی یک کشور مسافرت می‌کنند. «در این زمینه، گردشگران با اهداف مذهبی، درمانی، ورزش، سیاحتی و موارد دیگر از منابع توریستی یک کشور، بهره‌مند می‌شوند. یکی از این موارد، گردشگری طبیعت‌گرا است. در این نوع گردشگری استفاده از جاذبه‌ها و چشم‌اندازهای طبیعی اهمیت

فراوانی دارد» (نوابخش و صفی، ۱۳۹۲). با توجه به اینکه گردشگری خارجی در ایران رونق آن‌چنانی ندارد، طبعاً ما با نوعی گردشگر داخلی به‌ویژه از نوع طبیعت‌گرای آن روبه‌رو هستیم.

بر این اساس، روند روبه‌رشد گردشگری در جامعه معاصر به موضوعی مهم تبدیل شده است؛ به طوری که توسعه آن همانند شمشیر دولبه برای جامعه عمل می‌کند؛ هم منفی دارد و هم ضررهایی از این قبیل را تحمیل می‌کند: تخریب منابع طبیعی مقاصد گردشگری، تهدید بنیان‌های هویتی و فرهنگی جوامع محلی (ضیایی و ترابیان، ۱۳۸۹) آلودگی آب‌های ساحلی، انباشت زباله‌های جامد، ماهیگیری غیرقانونی (قرخلو و همکاران، ۱۳۸۸) و آثار منفی اجتماعی (Anderek et al., 2005, Nillahut, 2010, Jaafar et al., 2005 & Gartner, 1996). گردشگری که یکی از مهم‌ترین مصادیق اوقات فراغت است، آثار گوناگونی بر مقصد و جامعه میزبان به جا می‌گذارد. اوقات فراغت هم مانند شمشیر دولبه‌ای است که هم باعث اعتلا و بهینه‌شدن کار و فرهنگ می‌شود و هم علل انواع کج‌روی، انحراف و حتی ارتکاب به جرم را فراهم می‌کند (نوری، ۱۳۷۹: ۹۰).

در حالی که اوقات فراغت اغلب در وضعیت مثبت تعریف شده است، تصور می‌شود که این مفهوم، طیف وسیعی از مزایای اجتماعی مانند سلامت جسمی از طریق ورزش، سلامت روانی و ذهنی از طریق آرامش، رشد شخصی از راه فعالیت‌های مشوق و انسجام اجتماعی از راه تعامل با دیگران را به همراه دارد (Kelly, 2000 & Horna, 1994). بر این اساس، این آثار طیف گسترده‌ای از تأثیرات اجتماعی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به همراه دارند که آثار ناشی از این فعالیت‌ها نیز گسترده و به هم پیوسته هستند و در زمان مطالعه آثار گردشگری باید به آنها توجه شود (Mason, 2005: 27).

آثار مثبت گردشگری در جامعه میزبان، بر ایجاد شغل، تجدید حیات مناطق توسعه‌نیافته یا غیرصنعتی و افزایش درآمد تأثیر می‌گذارد و همچنین، گردشگری به‌ویژه در

^۱ The United Nation World Tourism Organization (UNWTO)

^۲ Ecotourism

مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی مشکلات اخلاقی (Nillahut, 2010) (Pizam et al., 1993 & Haley et al., 2005).
 Anderek et al., 2007 تراکم و ازدیاد جمعیت در طول فصل گردشگری (Tyrrell, 1984; Gartner, 1996 & Lee, 1997) Liu & 1986., (Liu & 1986., و زباله‌پراکنی^۲ (AP, 1990, Gartner, 1996 & Haley et al., 2005) شوند.

یکی از مصادیق رفتارهای انحرافی و بی‌نظمی اجتماعی گردشگران در زمان گذران فراغت در محیط زیست زباله‌پراکنی است. زباله‌پراکنی در فضاهای شهری و عمومی موجب تشدید مسائل مربوط به زباله شده است. این امر یکی از مهم‌ترین مسائل زیست‌محیطی، اجتماعی و زیباشناسی مطرح است. زباله‌پراکنی یعنی رهاکردن چیزهای غیرضروری و غیرطبیعی در محیط (Green, 2001) و این امر قابل رؤیت‌ترین مسئله‌ای است که موجب تخریب محیط زیست می‌شود (finnie, 1973). بسیاری از کشورها بیش از ۴۰ سال است که به این موضوع توجه کرده‌اند و این توجه به انجام پژوهش‌های رفتاری نظام‌مند (Clark & Burgess, 1971, Geller et al., 1980 & Schultz et al., 2013) منجر شده است. در ایران نیز به زباله به صورت یک چالش جدی در حوزه برنامه‌ریزی توجه شده است.

زباله در ایران به‌ویژه در استان مازندران، گذشته از مرزهای زیست‌محیطی (آلودگی منبع آب، خاک، هوا) زیباشناختی و تهدید بهداشت و سلامت، موجب تحمیل هزینه‌های زیاد اقتصادی به کشور شده است؛ به طوری که ۸۰ درصد هزینه‌های مدیریت شهری مربوط به جمع‌آوری و حمل و نقل زباله می‌شود. در این رابطه، اطلاعات سازمان مدیریت پسماند، با اشاره به میزان سرانه زباله تولیدی در دنیا نشان می‌دهد که میزان تولید زباله در جهان روزی ۴۵۰ تا ۵۰۰ گرم برای هر فرد است؛ ولی در کشور ما به ۸۰۰ گرم تا ۱ کیلو می‌رسد؛ بنابراین، میزان تولید زباله در ایران ۲ برابر جهان است. در استان مازندران که یکی از قطب‌های

کشورهای در حال توسعه از طریق سوق دادن نیروی کار، از کشاورزی سنتی به صنایع خدماتی باعث تحرک اجتماعی بیشتر و در نتیجه، دستمزد بیشتر و آینده شغلی بهتر می‌شود (Mason, 1995: 9). گذشته از آن، این امر نقش مهمی در تشویق سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم در سراسر دنیا داشته است (تقوی و قلی‌پور، ۱۳۸۸). هر نوع گردشگری اعم از داخلی و خارجی شاید در نگاه نخست، مثبت و در واقع، نوعی فراغت مثبت باشد؛ اما اگر با رویکردی آسیب‌شناسانه به گردشگری به خصوص از نوع داخلی آن توجه شود، نوعی فراغت محسوب می‌شود که به فراغت انحرافی تبدیل می‌شود. اوقات فراغت انحرافی^۱ در یک دسته‌بندی به دو روش تعریف می‌شود: انحراف تحمل‌کردنی و تحمل‌نکردنی (Stebbins, 1996). انحراف تحمل‌کردنی انحرافی است که تهدید آن برای جامعه بسیار ناچیز تصور می‌شود، افراد کمی در آن مشارکت دارند و نظم اجتماعی با خطر مواجه نمی‌شود؛ بنابراین اعضای جامعه اغلب دیدگاهی منفعل نسبت به آن دارند، مگر اینکه بر شدت رفتارهای انحرافی افزوده شود. مردم اساساً این رفتارها را نادیده خواهند گرفت. در مقابل، انحراف تحمل‌نکردنی اشاره به رفتارهایی دارد که تا حد زیادی جامعه را تهدید می‌کند و اعضای آن برای جلوگیری از این رفتارها عکس‌العمل فعالی دارند. همچنین، به‌طور کلی فراغت انحرافی رفتاری است که موجب نقض هنجارهای اخلاقی، جنایی و غیرجنایی می‌شود (همان). مفهوم اوقات فراغت انحرافی به اعمالی از جمله مصرف دارو، نقاشی‌های دیواری، تجاوز، دزدی و... اشاره دارد (Rojek, 1997).

بنابراین، با توجه به مقاله حاضر، فراغت انحرافی هر نوع فعلیتی است که گردشگران در زمان فراغت و سفر خود در تضاد با هنجارهای اجتماعی و زیست‌محیطی انجام می‌دهند. ممکن است گردشگران با رفتارهای خود موجب ناهنجارهای اجتماعی فرهنگی (تقدیسی و همکاران ۱۳۹۱ و ابراهیمی، ۱۳۹۰) و

² littering

¹ Deviant leisure

برخلاف گذشته بیشتر پژوهش‌های گردشگری که پس از دهه ۱۹۷۰ انجام شده نشان‌دهنده بیشتر بودن آثار منفی گردشگری نسبت به آثار مثبت آن است (ضیایی ۱۳۸۹). به این ترتیب با بررسی و مرور پژوهش‌های انجام‌شده در داخل کشور به نظر می‌رسد از نظر زباله‌پراکنی درباره آسیب‌شناسی رفتار فراغتی گردشگران، پژوهش مستقلی انجام نشده و پژوهش‌ها هم بیشتر در حوزه آثار منفی اجتماعی زیست‌محیطی بوده است.

جعفر و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی اثرات اجتماعی درک‌شده از توسعه صنعت گردشگری» این آثار را در جوامع محلی از منظر ساکنان محلی این مکان‌ها در نزدیکی پارک ملی کینابالو بررسی کرده‌اند. داده‌های این پژوهش، با استفاده از ۳۷۸ پرسش‌نامه گردآوری و سپس با کمک بعضی از روش‌ها به شیوه توصیفی تجزیه و تحلیل شده است. بیشتر پاسخ‌دهندگان نشان دادند که گردشگری گذشته از اینکه یک محرک برای فعالیت‌های مختلف فرهنگی است، در فرهنگ ملی و محلی به‌طور چشمگیری افزایش و امکانات جامعه نیز به‌صورت یکی از نتایج آن بهبود یافته است. همچنین، کیفیت زندگی پاسخگویان هم به دنبال این موضوع به‌طور چشمگیری بهتر شده است. برعکس، نتایج این پژوهش چند اثر منفی را نیز از قبیل تراکم و قرارگرفتن در معرض رفتارهای ضداجتماعی نشان داده است.

شوتز و همکاران (۲۰۱۳) پژوهشی با نام «بررسی عوامل شخصی و زیست‌محیطی مؤثر بر رفتار زباله‌پراکنی» انجام داده‌اند. آنها در این پژوهش رفتار زباله‌پراکنی افراد را در مکان‌های عمومی ایالات متحده ارزیابی کرده‌اند. هدف از این مطالعه: الف. بررسی میزان و نوع زباله‌هایی که افراد در خیابان‌ها و مکان‌های مختلف شهری پرت می‌کنند و ب. عوامل شخصی و زیست‌محیطی مؤثر بر رفتار زباله‌پراکنی بوده است. اطلاعات از طریق مصاحبه با ۹۷۵۷ نفر در ۱۳۰ مکان در فضای باز عمومی ایالات متحده و با استفاده از پرسش‌نامه گردآوری شده است. براساس نتایج زمینه‌های فیزیکی و متغیرهایی چون وجود یا وجودنداشتن سطل زباله، تعداد آن،

گردشگری کشور است، متأسفانه روزانه حدود ۲۷۰۰ تن زباله در جنگل‌ها و سواحل تخلیه می‌شود (فیروزجانیان، غلامرضازاده، ۱۳۹۵) و این امر ضررهای زیست‌محیطی (آلودگی منابع آب زیرزمینی و سطحی، خاک و هوا) زیباشناختی، تهدید بهداشت و سلامت و تحمیل هزینه‌های زیاد اقتصادی برای کشور به همراه دارد. البته باید توجه داشت که بعضی از زباله‌ها در کشور ما به دست مردم در محیط رها شده است و حضور پررنگ گردشگران در استان در این مسئله تأثیر دارد.

متأسفانه آمار دقیقی از میزان ورود گردشگران داخلی به مازندران وجود ندارد؛ اما سازمان میراث فرهنگی این شهر تعداد مسافران ورودی به آن را در سال ۱۳۹۴ بیش از ۱۰ میلیون نفر تخمین زده است. این مسافران که به‌ویژه در ۶ ماه نخست سال به مازندران سفر می‌کنند، در اماکن رسمی و غیررسمی به‌طور موقت ساکن می‌شوند و طبعاً حضور جمعیتی بیش از ۳ برابر جمعیت مازندران به استان، با توجه به رفتار زیست‌محیطی ناسالم آنها پیامدهای ناگواری در پی دارد. یکی از این پیامدها حجم زیاد زباله‌های رهاشده در مراکز گردشگری در استان است. در کشور ما زباله‌پراکنی در بین قشرهای مختلفی انجام می‌شود و در این بین گردشگران و مسافران داخلی با آسودگی بیشتری این رفتار را انجام می‌دهند. گواه این مدعا مشاهده مقصدهای گردشگری طبیعی از جمله حاشیه دریا، رودخانه‌ها و جنگل‌های مملو از زباله‌های رها شده است؛ چنان‌که عملاً شاهد نوعی بی‌نظمی فیزیکی حاصل از زباله‌ریزی در مناطق گردشگری مازندران هستیم. در این پژوهش این نوع بی‌نظمی که حاصل بی‌نظمی در رفتار اجتماعی گردشگران است، بررسی شده و بر این اساس تلاش شده است زباله‌پراکنی به‌شکل نوعی بی‌نظمی اجتماعی تحلیل شود. از این منظر رفتار فراغتی گردشگران به فراغت انحرافی تبدیل خواهد شد.

مروری بر پیشینه پژوهش

رشد فزاینده تعداد گردشگران نگرانی‌هایی در زمینه آثار گردشگری بر جوامع مقصد به دنبال داشته است؛ چرا که

تجزیه و تحلیل شدند و این پیمایش در سال 1999-2000 درباره ارزش‌های اساسی و اعتقادات مردم سراسر اروپا (شرقی و غربی) تهیه شد. هدف از این کار چگونگی توجیه رفتار زباله‌پراکنی از نظر افراد و مشخص کردن عوامل تعیین‌کننده آن از جنبه فردی بوده است. نتایج نشان می‌دهد که عضویت در سازمان‌های زیست‌محیطی، میزان آموزش و پرورش رسمی، هنجارهای اجتماعی و سرمایه‌های اجتماعی عوامل تعیین‌کننده رفتار افراد بوده است. افرادی که در سازمان‌ها و فعالیت‌های زیست‌محیطی مشارکت می‌کنند، بسیاری از رفتارهای زیست‌محیطی‌شان داوطلبانه و با آگاهی است. در حقیقت، عضویت در سازمان‌های زیست‌محیطی موجب تقویت تعهد به رفتار ضدزباله‌پراکنی و در نتیجه، سبب بهبود کیفیت محیط زیست می‌شود.

هالی و همکاران (2005) در پژوهشی تأثیر اجتماعی گردشگری را بررسی کرده‌اند که این کار با روش کمی در میان ساکنان شهر تاریخی باث^۳ در بریتانیا انجام شده است. هدف آنها بررسی ادراک ساکنان منطقه از تأثیرات توسعه گردشگری بوده است. نتایج نشان می‌دهد که از نظر ساکنان اگرچه گسترش توریسم کیفیت زندگی را افزایش خواهد داد، در عین حال بعضی پیامدهای منفی چون افزایش زباله در خیابان، افزایش جرائم و نیز ترافیک را به همراه خواهد داشت. هرچند مطالعات گردشگری در ایران عمر درازی ندارد، مطالعات انجام شده در حوزه رفتار گردشگران بیشتر به ابعاد مثبت گردشگری توجه کرده‌اند و کمتر به ابعاد منفی رفتار گردشگران به خصوص زباله‌پراکنی توجه شده است. در عین حال تلاش شده است مطالعاتی که از منظر آسیب‌شناسی رفتار گردشگران را ارزیابی کرده‌اند، در اینجا گزارش شود.

ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش «تحلیل جامعه‌شناختی پایداری گردشگران به هنجارهای اجتماعی» دو موضوع را بررسی کرده‌اند: گردشگران در جامعه مقصد، به چه میزان به هنجارها پایبند هستند و چه عواملی باعث رعایت

در دسترس بودن سطل‌ها و ... ۱۵ درصد از واریانس رفتار زباله‌پراکنی را به خود اختصاص دادند؛ در حالی که ۸۵ درصد آن مربوط به ویژگی‌های فردی مانند سن، جنس، نگرش‌ها و انگیزه‌ها بوده است. در واقع زمینه‌های فیزیکی تأثیر زیادی بر رفتار افراد نداشته‌اند؛ اما متغیرهای شخصی و نگرش‌ها بسیار تأثیرگذار بوده‌اند؛ به طوری که جوانان بیشتر از افراد مسن و مردها بیشتر از زنان زباله‌پراکنی می‌کنند. در مجموع، میزان زباله‌پراکنی در ایالات متحده ۱۷ درصد گزارش شده است.

در پژوهش غلام ربانی و همکاران (2013) به نام «اثرهای زیست‌محیطی گردشگری» تأثیرهای گردشگری بر منابع طبیعی، آلودگی محیط زیست و محیط فیزیکی و فعالیت گردشگران در پارک ملی توصیف شده‌اند. گردشگری شامل بسیاری از فعالیت‌هاست که آثار نامطلوب زیست‌محیطی به همراه دارد و بسیاری از این آثار به ساختن زیرساخت‌های عمومی مانند جاده‌ها و فرودگاه‌ها و امکانات گردشگری از جمله استراحتگاه‌ها، هتل‌ها، رستوران‌ها، مغازه‌ها و زمین‌های گلف و اسکله مربوط می‌شود. اثرهای منفی توسعه گردشگری به تدریج منابع زیست‌محیطی وابسته به آن را از بین می‌برد که انتشار هوا، سروصدا، مواد زائد جامد و زباله‌پراکنی، انتشار فاضلاب، نفت و مواد شیمیایی و حتی معماری از جمله این موارد هستند. گردشگری مانند هر صنعت دیگر در مناطقی که فعالیت‌های گردشگری و جاذبه‌های طبیعی جذاب زیادند، باعث همین اشکال آلودگی می‌شود. دفع زباله یک مشکل جدی است و دفع نامناسب یک نابودگر اصلی محیط زیست طبیعی، رودخانه‌ها، مناطق دیدنی و کنار آنها محسوب می‌شود.

ترگلر^۱ و همکاران (2008) در پژوهش «توجیه رفتار زباله‌پراکنی» رابطه بین مشارکت‌های زیست‌محیطی با رفتار زباله‌پراکنی را در اروپا بررسی کرده‌اند. در این مطالعه، اطلاعات ارائه شده به وسیله پیمایش ارزش‌های اروپایی^۲

¹ Torgler

² European Values Survey (EVS)

³ Bath

درآمد و تحصیلات، تفاوت معناداری نداشته‌اند. طبق نتایج حاصل از همبستگی پیرسون، بین زباله‌پراکنی و عواملی چون نگرش زیست‌محیطی، ضعف هنجار اجتماعی، احساس بی‌مسئولیتی، زباله‌پراکنی دیگران، عادت، گمنامی و فقدان خدمات رابطه معناداری وجود دارد. مطابق با آزمون مدل نظری که با روش مدل‌سازی معادله ساختاری انجام شده است، مشخص شد که مؤلفه‌های پژوهش به‌همراه شاخص‌هایشان ۰/۳۷ از تغییرات متغیر وابسته (رفتار زباله‌پراکنی) را تبیین می‌کنند و عوامل دیگر، خارج از این بررسی هستند.

صالحی و همکاران (۱۳۹۱) رفتارهای زیست‌محیطی گردشگران ساحلی شهر بوشهر را ارزیابی کرده‌اند و در این پژوهش ۲۶۷ پرسش‌نامه در بین گردشگران نروزی ساکن در این شهر توزیع شده است. نتایج نشان می‌دهد نگرانی زیست‌محیطی با رفتارهای زیست‌محیطی همبستگی مثبتی دارد؛ در حالی که از بین متغیرهای جمعیتی (سن، تحصیلات، وضعیت تأهل و نوع اقامت) متغیر سن، رابطه معناداری با رفتار زیست‌محیطی دارد.

پژوهش ضیایی و همکاران (۱۳۸۹) «سنجش میزان قابل قبول آثار منفی اجتماعی گردشگران بر جوامع محلی در ایران» با هدف شناسایی این آثار بر جوامع روستایی حوزه تالاب پریشان انجام شده است. داده‌های مربوط به خبرگان صنعت گردشگری از راه مصاحبه و اطلاعات مردم محلی از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته گردآوری شده است. مطابق نتایج پژوهش، میزان فعلی آثار منفی اجتماعی ناشی از حضور و فعالیت دیدارکنندگان در بیشتر موارد بیشتر از میزان قابل قبول این آثار است و برای کاهش آنها توصیه شده است که تمهیداتی فوری برای مدیریت و کنترل این آلودگی‌های محیطی و اجتماعی در نظر گرفته شوند.

در پژوهش قرخلو و همکاران (۱۳۸۸) با عنوان «آثار زیست‌محیطی گردشگری بر سواحل شهر رامسر» منطقه دریای خزر و محدوده این شهر ارزیابی شده‌اند و نتایج

هنجارها به وسیله آنها می‌شود. روش انجام کار پیمایشی بوده و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه ۳۰۰ گردشگر به‌روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای ارزیابی شده‌اند. طبق نتایج با توجه به میزان معناداری ۰/۰۰۳ به‌دست آمده از جنسیت و هنجار اجتماعی کل، زنان گردشگر بیش از مردان به هنجار پایبند هستند و حدود ۲۱ درصد از تغییرهای «هنجارهای اجتماعی» به وسیله ۵ متغیر (روابط درون‌گروهی، همبستگی اجتماعی، تعهد گروهی، عقلانیت و دلهره منزلت درون‌گروهی) تبیین می‌شود.

فیروزجائیان و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «تحلیل عوامل مؤثر بر بی‌نظمی با تأکید بر زباله‌پراکنی» با رویکرد تلفیقی پاول استرون زباله‌پراکنی را تحلیل کرده‌اند. جامعه آماری گردشگران استان مازندران در سال ۱۳۹۳ بوده و اطلاعات از طریق پرسش‌نامه جمع‌آوری شده است. نتایج نشان می‌دهد رفتار زباله‌پراکنی با متغیرهایی چون نگرش زیست‌محیطی ضعیف، کنترل اجتماعی، ارزیابی منفی، بی‌مسئولیتی، احساس منفی نسبت به زباله، عادت، گمنامی، فقدان خدمات و آگاهی‌نداشتن از جنبه زیست‌محیطی رابطه معناداری دارد.

غلامرضازاده (۱۳۹۳) جامعه‌شناختی زباله‌پراکنی در بین گردشگران استان مازندران و عوامل مؤثر بر آن را بررسی کرده است. روش انجام این پژوهش پیمایش و نمونه آماری ۳۸۵ نفر بوده که برای نمونه‌گیری هم از روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. همچنین، برای گردآوری اطلاعات نیز از پرسش‌نامه ساخته شده به‌دست پژوهشگر استفاده شده است. براساس نتایج، میزان زباله‌پراکنی گردشگران در حد متوسط روبه‌زیاد است و متغیرهای زمینه‌ای مانند سن، جنس و وضعیت تأهل پاسخگویان در رفتار زباله‌پراکنی آنها تعیین‌کننده بوده است؛ چنان‌که از این نظر تفاوت معناداری با هم دارند. برای مثال جوانان بیشتر از افراد مسن، مردها بیشتر از زنان و مجردها بیشتر از افراد متأهل زباله‌پراکنی می‌کنند؛ اما در این رابطه در بین این متغیرها میزان

به‌همراه خواهد داشت. به‌این‌ترتیب هرکاری را که بخواهید، مجاز هستید انجام دهید بدون آنکه کسی مزاحم شما شود. آنها استدلال می‌کردند که این جرائم کوچک علامت و پیامی را به جامعه می‌دهند که ارتکاب جرم آزاد است؛ هرچند که به‌خودی‌خود این جرائم کوچک هستند. یک پنجره شکسته و مرمت‌نشده نشان می‌دهد که کسی به آن اهمیت نمی‌دهد و بنابراین شکستن پنجره‌های بیشتر نیز هزینه‌ای را به کسی تحمیل نخواهد کرد (Wilson & Kelling, 1982). گزاره کلیدی نظریۀ پنجره شکسته این است که تعمیرنشدن یک پنجره شکسته این پیام را صادر می‌کند که کسی مراقب اوضاع نیست و در نتیجه منجر به صدمات بیشتر می‌شود. آنها معتقدند که در سطح محلی بی‌نظمی و جرم ضرورتاً با هم مرتبط هستند. جرایم جدی در خیابان‌ها و در مناطقی رخ می‌دهد که رفتار منحل‌نظم در آنها بدون پاسخ می‌ماند. درحقیقت، ایده «کسی مراقب نیست» مطرح می‌شود. براساس این نظریه نظارت و نگهداری محیط‌های شهری در یک وضعیت خوب ممکن است از خراب‌کاری بیشتر و همچنین، از تشدید جرم‌های جدی‌تری جلوگیری کند (Wilson & Kelling, 1982).

پس از طرح این نظریه بحث‌های زیادی در علوم اجتماعی و مجامع عمومی درگرفته است. تئوری پنجره شکسته نظریه‌ای جرم‌شناسانه و نشان‌دهنده میزان فعلی اختلال شهری، خرابکاری و اثرگذاری آن بر افزایش جرم و رفتارهای ضداجتماعی است. این تئوری بر دو ادعای کلی استوار است: ۱- باید از جرم‌های جزئی‌تر و رفتارهای ضداجتماعی سطح پایین جلوگیری شود و ۲- از این طریق از جرم‌های بزرگ پیشگیری خواهد شد. منتقدان این تئوری تمایل دارند بر دومین ادعا متمرکز شوند (Bandura, 1979). نظریۀ پنجره‌های شکسته می‌گوید: «نشانه‌هایی از رفتار نامناسب مانند نقاشی‌های دیواری یا پنجره شکسته، به‌دیگر رفتار نامناسب (برای مثال زباله‌پراکنی یا سرقت)» منجر می‌شود (Keizer et al., 2008). این نظریه بر این فرض استوار است که یک پدیده نسبتاً بی‌ضرر مانند آشغال‌ریختن در

به‌صورت میدانی و از طریق پرسش‌نامه از اهالی منطقه جمع‌آوری شده است. مطابق آنها توسعه گردشگری ساحلی آثار زیست‌محیطی فراوانی داشته که مهم‌ترین آنها تخریب پوشش گیاهی، آلودگی آب‌های ساحلی و ازبین‌رفتن چشم‌انداز ساحلی است.

درمجموع گردشگری به‌صورت یک صنعت مهم در کشورهای مختلف مدنظر دولت‌ها است و برای توسعه آنها منافع مختلفی دارد؛ اما گردشگری مانند هر صنعت دیگر آسیب‌هایی را نیز با خود همراه دارد؛ بنابراین در سال‌های اخیر پژوهشگران آنها را آسیب‌شناسی کرده‌اند. در کشور ما گذشته از آنکه خود گردشگری به‌اندازه کافی توسعه نیافته است، پژوهشگران به آسیب‌شناسی آن نیز کمتر توجه کرده‌اند؛ بر این اساس این پژوهش ضمن مفروض دانستن مزایای گردشگری با روشی آسیب‌شناسانه، رفتار فراغتی گردشگران را با تأکید بر زباله‌پراکنی تحلیل می‌کند.

چارچوب نظری پژوهش

برای تبیین رفتار زباله‌پراکنی گردشگران، از نظریۀ پنجره شکسته^۱ استفاده شده است که تئوری آن در سال 1982 با همکاری جیمز ویلسون^۲ و جرج ال. کلینگ^۳ در مقاله‌ای با عنوان «پلیس و امنیت محلی (پنجره شکسته)» معرفی شد. این دو با استفاده از استعاره پنجره‌های شکسته روش خود را درباره پیشگیری از جرم توضیح دادند و طبق استدلال آنها جرم نتیجه یک نابسامانی است. برای مثال اگر پنجره‌ای شکسته باشد و مرمت نشود، فرد متمایل به شکستن قانون و هنجارهای اجتماعی با مشاهده بی‌اعتنایی جامعه به این امر دست به شکستن شیشه دیگری خواهد زد. دیری نمی‌پاید که شیشه‌های بیشتری شکسته می‌شود و این احساس آنارشستی، بی‌قانونی و هرج‌ومرج از خیابان به خیابان و از محله‌ای به محله دیگر گسترش می‌یابد و با خود علائم و پیام‌هایی را

¹ Broken windows

² Q. Wilson

³ Kelling

Steg, 2008) و تبیین رفتار زباله‌پراکنی (Cialdini, 1990) نیز به کار رفته است. همچنین، پژوهش‌ها نشان داده است که نشانه‌هایی از رفتار نامناسب مانند زباله‌پراکنی، نقاشی‌های دیواری، یا پنجره‌های شکسته در مکان‌های عمومی رفتارهای مغایر هنجارها را تقویت می‌کند (Cialdini, Reno & Kallgren, 1990, Kelling & Coles, 1998 & Wilson & Kelling, 1982). در نهایت، این نظریه بیان می‌کند که بی‌توجهی به اخلاق در نظم عمومی و اعمال تخریبی مانند ریختن زباله، تخریب اموال عمومی، نوشیدن مشروبات الکلی در انظار عمومی، گدایی و ولگردی نشان‌دهنده بی‌توجهی به بزهکاری است و موجب آماده‌شدن زمینه برای جرائم مهم‌تر می‌شود.

مدل نظری پژوهش و فرضیات

مطابق این مطالب چارچوب نظریه پنجره شکسته در تبیین بی‌نظمی اجتماعی کاربرد فراوانی دارد و اساس آن این است که بی‌نظمی کوچک در شرایط خاص موجب بی‌نظمی بزرگ‌تر خواهد شد. از این نظریه به دلیل توجه آن به عوامل کنترل اجتماعی و موقعیت در تبیین و پیشگیری از انحراف برای تحلیل رفتار زباله‌پراکنی استفاده می‌شود؛ چرا که براساس مطالعات قبل زباله‌پراکنی به علت ضعف عوامل کنترل اجتماعی انجام می‌شود. در این وضعیت محیط به شکل پنجره شکسته‌تر و یا کثیف‌تر می‌شود و طبعاً در محیط‌های کثیف ارزیابی افراد نیز نسبت به زباله‌ریزی مثبت و این امر موجب زباله‌پراکنی بیشتر خواهد شد. شیوع زباله‌ریزی در محیط زیست نتیجه بی‌مسئولیتی زیست‌محیطی در جامعه است؛ زیرا هرچه افراد یا گردشگران در نتیجه ضعف کنترل اجتماعی از نظر زیست‌محیطی بی‌اعتنا باشند، امکان آلودگی از طرف آنان بیشتر می‌شود و بر این اساس زباله‌پراکنی یک آسیب زیست‌محیطی در زمان فراغت گردشگران است. در واقع وقتی کنترل اجتماعی در جامعه ضعیف باشد، امکان کثیفی محیط بیشتر می‌شود (پنجره‌ای شکسته می‌شود). در این وضعیت افراد چون محیط را کثیف می‌بینند و کنترلی هم احساس

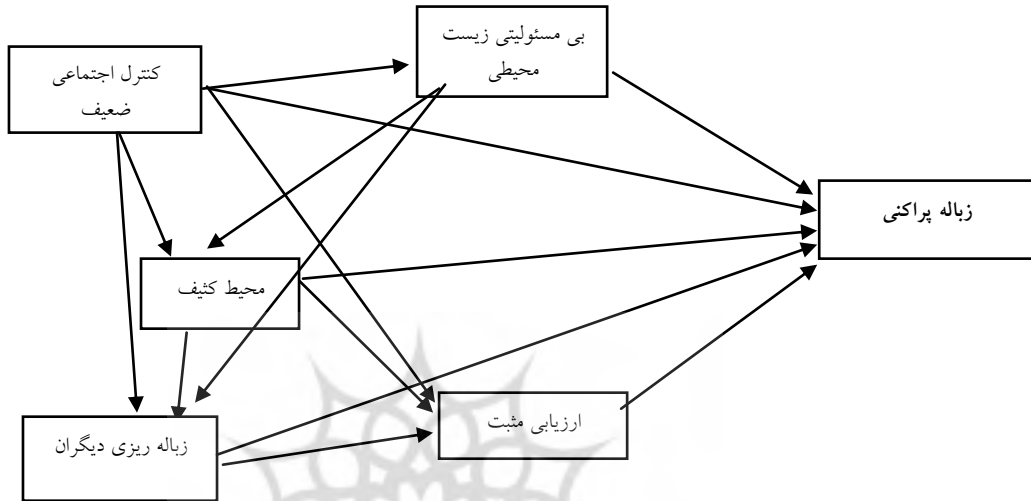
خیابان‌ها، دیوارنویسی یا دزدیدن اتومبیل رهاشده پیامدهای نسبتاً شدیدتری از جمله میزان زیاد جرم و جنایت خشونت‌آمیز دارد (Wilson & Kelling, 1982). بر این اساس، چنانچه شهروندان یک جامعه و ضابطان نظم نسبت به جرائم خفیف و انحرافات خرد چشم‌پوشی کنند، این امر در درازمدت باعث می‌شود که در آن منطقه و محله بی‌نظمی به وجود آید و به گمان برخی افراد چنین تصور شود که آن محله یا گروه، به انحرافات و کج‌روی‌ها بی‌توجه هستند. از دل این بی‌نظمی ناشی از برخورد نکردن با جرائم ساده و خفیف جرائم بزرگ و شدید به وجود می‌آیند؛ بنابراین جرم ناشی از تداوم بی‌نظمی است و برخورد قوی و قاطع و بدون چشم‌پوشی با جرائم ساده از بروز جرائم بزرگ‌تر جلوگیری می‌کند. مطابق استدلال پیروان این نظریه مؤثرترین راه برای کاهش بی‌نظمی اجتماعی کنترل کسانی است که با پرسه‌زدن، استفاده از مواد مخدر، فعالیت در گروه‌های جنایی کوچک و نوشیدن علنی مشروبات الکلی نظم عمومی را مختل می‌کنند (شرافتی‌پور و عبدی، ۱۳۸۷: ۹۳ و ۹۲).

به این ترتیب سیاستگذاران و مجریان قانون نیز برای مثال اشغال ریختن در یک مکان مشخص را یک پنجره شکسته می‌دانند که جرم و جنایت و فعالیت باندهای تبهکار را در آن محل به خود جذب می‌کند (Harcourt, 2001). این تئوری در سیاست جنایی به صورت یک انگیزه برای اصلاحات به کار گرفته شده است.

مطالعات تجربی زیادی درباره تئوری پنجره شکسته انجام شده است و این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که یک رابطه نزدیک بین هنجارهای اجتماعی و زباله‌پراکنی در مقابل رفتار غیرزباله‌پراکنی وجود دارد. برای مثال مطالعات مختلف نشان داده است که رفتار زباله‌پراکنی با افزایش مقدار زباله همراه است (Finnie, 1973, Krauss, Freedman & Whitcup, 1978 & Reiter & Samuel, 1980). در نتیجه، این نظریه برای بررسی موضوعات مختلفی مانند تبیین بی‌نظمی (Lindenberg, 2008) و بررسی رفتارهای نامناسب (Keizer, Lindenberg &

زباله‌پراکنی به قاعده‌ای معمول در میان گردشگران تبدیل می‌شود. طبعاً این وضعیت به دلیل بی‌مسئولیتی افراد نسبت به محیط زیست است.

نمی‌شود، به راحتی زباله را در محیط رها می‌کنند (پنجره‌های دیگر شکسته می‌شود). به این ترتیب به تدریج ارزیابی منفی از زباله‌ریختن (شکستن پنجره) مثبت و در نتیجه آن



مدل ۱- مدل نظری روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته (زباله‌پراکنی)

گردشگرانی که در تعطیلات نوروز ۱۳۹۵ وارد مناطق مرکزی و غربی استان مازندران شده‌اند. تعداد نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نمونه تعیین شده و همچنین، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. با توجه به اینکه گردشگران در تعطیلات نوروز شهرهای ساحلی را برای محل تفریح خود انتخاب می‌کنند، ابتدا شهرهای ساحلی مرکز و غرب مازندران در ۲ خوشه قرار گرفته‌اند. سپس از هر خوشه آنها ۱ شهر (بابلسر برای خوشه نخست و نوشهر برای خوشه دوم) به صورت تصادفی انتخاب شده است. در مرحله بعد مکان انتخاب نمونه پارک‌ها و سواحل بوده است؛ زیرا گردشگران عمدتاً برای گذران اوقات فراغت از آنها استفاده می‌کنند. در مرحله نهایی از روش نمونه‌های در دسترس برای انتخاب نمونه استفاده شده است. اطلاعات لازم از طریق ابزار پرسش‌نامه به‌روش میدانی گردآوری شده و برای تجزیه و تحلیل آنها از نرم‌افزار SPSS و برای آزمون مدل نظری از مدل ساختاری AMOS استفاده شده است. برای بررسی اعتبار پرسش‌نامه نیز از اعتبار صوری استفاده شده است. به

براساس مدل فرضیه‌های اصلی و مستقیم پژوهش عبارت‌اند از:

- ۱- ارزیابی مثبت افراد از زباله‌پراکنی بر زباله‌پراکنی آنها در زمان گذران فراغت تأثیر مستقیم دارد؛
- ۲- زباله‌ریزی دیگران، بر زباله‌پراکنی فرد در زمان گذران اوقات فراغت تأثیر مستقیم دارد؛
- ۳- محیط کثیف بر زباله‌پراکنی افراد در زمان گذران اوقات فراغت تأثیر مستقیم دارد؛
- ۴- بی‌مسئولیتی زیست‌محیطی بر زباله‌پراکنی افراد در زمان گذران اوقات فراغت تأثیر مستقیم دارد و
- ۵- کنترل اجتماعی ضعیف بر زباله‌پراکنی افراد در زمان گذران اوقات فراغت تأثیر مستقیم دارد.

روش‌شناسی

این پژوهش به‌روش کمی و با استفاده از استراتژی پیمایشی^۱ انجام شده و جامعه آماری آن عبارت است از کلیه

^۱ Survey

ارزیابی مثبت یک رفتار به وضعیتی اشاره دارد که فرد نگرش مطلوبی نسبت به انجام رفتار دارد و براساس آن ارزیابی تصمیم می‌گیرد که چگونه رفتار کند. در زمینه زباله‌پراکنی ارزیابی مثبت فرد از زباله‌ریزی و پیامدهای آن محرکی برای این کار است. از جمله سؤالات مطرح شده برای سنجش این متغیر این موارد هستند: زباله‌ریزی عملی منفی و نامناسب نیست و بر محیط تأثیر منفی ندارد. دامنه پاسخ‌ها نیز از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف است.

۲- زباله‌پراکنی دیگران

اگر زباله‌ریزی را به صورت پنجره‌ای شکسته در نظر بگیریم، زباله‌پراکنی دیگران به وضعیتی اشاره دارد که فرد با دیدن زباله‌ریختن اطرافیان یا افراد دیگر جامعه (دیگری) تشویق می‌شود که زباله بریزد یا استنباطش این است که باید زباله را در محیط خاص رها کند. این متغیر به میزان مشاهده زباله‌ریزی دیگران در محیط اشاره دارد و برای سنجش آن از ۵ گویه استفاده شده است. دامنه پاسخ‌ها از همیشه تا هرگز است.

۳- کنترل اجتماعی ضعیف

براساس نظریه پنجره شکسته کنترل اجتماعی مؤثرترین راه برای کاهش بی‌نظمی اجتماعی است؛ به طوری که ضعف کنترل‌های رسمی و غیررسمی موجب تشدید بی‌نظمی و انحراف می‌شود. در زمینه رفتار زباله‌پراکنی ضعف هنجارهای رسمی بازدارنده مانند ضعف تدابیر انتظاماتی (برای مثال تهدید به یک خدمت اجتماعی مثل جمع‌کردن زباله‌های خیابان و یا جریمه نقدی) و جریمه‌نکردن و ضعف هنجارهای غیررسمی (مثل بی‌توجهی شهروندان نسبت به زباله‌ریزی شهروندان در جامعه و یا بی‌اعتنایی نسبت به زباله‌ریزی دیگران) موجب پراکندن زباله می‌شود. برای سنجش این متغیر از ۵ سؤال با دامنه پاسخ‌های کاملاً موافق تا کاملاً مخالف استفاده شده است.

۴- بی‌مسئولیتی زیست‌محیطی

همین دلیل پرسش‌نامه ساخته‌شده پژوهشگر را دو داور بررسی کردند و به‌منظور بررسی پایایی آن، در مرحله پیش‌آزمون از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که نتایج آن در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- ضریب آلفای شاخص‌های پژوهش

شاخص	تعداد گویه	ضریب آلفا
ارزیابی مثبت فرد از زباله‌پراکنی	۴	۰/۷۸
کنترل اجتماعی ضعیف	۵	۰/۷۳
بی‌مسئولیتی زیست‌محیطی	۵	۰/۷۶
زباله‌پراکنی توسط دیگران	۵	۰/۷۹
محیط کثیف	۴	۰/۸۶
رفتار زباله‌پراکنی	۸	۰/۸۸

تعریف متغیرها

الف- متغیر وابسته: رفتار زباله‌پراکنی

در این پژوهش زباله‌پراکنی به صورت یک آسیب رفتار فراغتی گردشگران و همانند متغیر وابسته بررسی شده است. در این وضعیت گردشگری به فراغت انحرافی تبدیل می‌شود. زباله‌پراکنی به معنی رهاکردن چیزهای غیرضروری و غیرطبیعی در محیط (Green, 2001) و همچنین، دفع سهل‌انگارانه و نامناسب زباله (Geller et al., 1982, Stokols & Altman, 1987 & Keenan, 1996) است. در این رفتار فرد بدون توجه به عواقب، با سهل‌انگاری زباله‌های تولیدشده را در طبیعت رها می‌کند. رفتار زباله‌پراکنی گردشگران با شاخص‌هایی چون دستمال کاغذی، تکه‌های کاغذ یا روزنامه، ظرف نوشیدنی‌ها، پوست میوه، آدامس، ته‌سیگار، کیسه‌های کاغذی و...، با مقیاسی از همیشه تا هرگز سنجیده شده است.

ب- متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل پژوهش عبارت‌اند از:

۱- ارزیابی مثبت فرد از زباله‌پراکنی

با تحصیلات ابتدایی ۰/۸ درصد کمترین افراد هستند. بیشتر پاسخگویان یعنی ۸۰/۶ درصد وضعیت اقتصادی خود را متوسط، ۵/۳ درصد وضعیت اقتصادی خود را خوب و ۱۴/۱ درصد نیز وضعیت اقتصادی خود را بد ارزیابی کرده‌اند. اطلاعات جدول ۲ توزیع فراوانی زباله‌پراکنی را در بین گردشگران نشان می‌دهد و مطابق آن حدود ۳۳/۹ درصد رفتار زباله‌پراکنی‌شان متوسط، ۳۳/۶ درصد زیاد و ۳۲/۶ درصد هم کم بوده است. درکل میزان پراکندن زباله در حد متوسط است؛ به طوری که بیشترین فراوانی در گویه‌های زباله‌پراکنی مربوط به آدامس، ته‌سیگار و دستمال‌کاغذی و کمترین آن، مربوط به گویه‌های کیسه‌های کاغذی و پلاستیکی بوده است.

جدول ۲- توزیع فراوانی نمرات میزان زباله‌پراکنی

درصد	فراوانی	زباله‌پراکنی
۳۳/۶	۱۲۹	زیاد
۳۳/۹	۱۳۰	متوسط
۳۲/۶	۱۲۵	کم
۹۹/۷	۳۸۴	کل پاسخ‌دهندگان

منبع: محاسبات پژوهش حاضر

آزمون فرضیات

در این پژوهش، برای آزمودن فرضیات دوجه‌دو با توجه به میزان سنجش متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون و برای بررسی روابط چندگانه بین متغیرهای مستقل و وابسته از نرم‌افزار AMOS استفاده شده است.

جدول ۳- آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و زباله‌پراکنی

میزان معناداری	میزان همبستگی	متغیر مستقل
۰/۰۰۰	۰/۲۱	زباله‌ریزی دیگران
۰/۰۰۰	۰/۳۰	کنترل اجتماعی ضعیف
۰/۰۰۰	۰/۱۶	ارزیابی مثبت
۰/۰۰۰	۰/۲۵	بی‌مسئولیتی زیست‌محیطی
۰/۰۰۴	۰/۱۲	محیط کثیف

منبع: محاسبات پژوهش حاضر

بی‌مسئولیتی زیست‌محیطی به‌معنای توجه‌نکردن فرد نسبت به رفتارهای زیست‌مراقبتی است. عواملی مانند احساس مسئولیت، میزان حس تأثیرگذاری رفتار و اینکه تا چه حد فرد، شخصاً مسئول عواقب رفتارش است، بر روی رفتار و عملکرد او تأثیر دارد (Davies et al., 2002). درحقیقت، بی‌مسئولیتی زیست‌محیطی شخص نسبت به پاکیزگی محیط به زباله‌پراکنی منجر می‌شود. برای سنجش این متغیر مواردی چون اهمیت‌نداشتن محیط زیست پاک و عاری از زباله برای فرد و تعهدنداشتن فرد نسبت به پاکیزگی طبیعت و مناطق گردشگری با دامنه پاسخ‌های کاملاً موافق تا کاملاً مخالف سنجیده شده است.

۵- محیط کثیف

براساس نظریه استفاده‌شده شکسته‌بودن موجب شکسته‌شدن‌های دیگر می‌شود. به تعبیر دیگر هر قدر زباله‌های بیشتری در محیط رها باشد، زباله‌های بیشتری نیز به دست افراد دیگر در محیط رها خواهد شد. از نظر پاسخگویان کثیف‌بودن محیط به‌معنای میزان رها‌بودن زباله در آن است. و این امر، موجب شکل‌گیری هنجار زباله‌ریزی می‌شود؛ به این صورت که ریختن زباله کاری منفی نیست که این خود باعث تقویت زباله‌ریزی توسط افراد در زمان فراغتشان می‌شود. این متغیر نیز با ۴ سؤال با مقیاس خیلی کم تا خیلی زیاد سنجیده شده است.

تحلیل یافته‌ها

توصیف اجمالی نمونه آماری

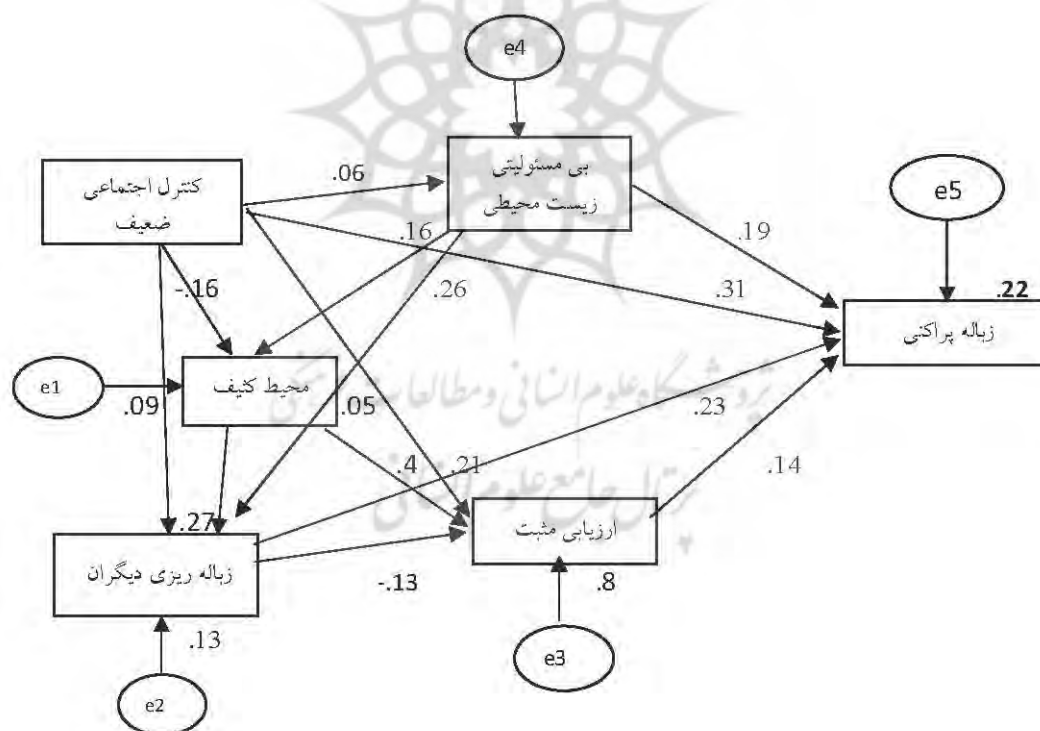
اطلاعات مدنظر از بین ۳۸۴ نفر از گردشگران استان مازندران جمع‌آوری شده است که ۵۰ درصد زن (۱۹۲ زن) و ۵۰ درصد مرد (۱۹۲ نفر) بوده‌اند. همچنین، میانگین سنی افراد ۳۲ سال و کمترین سن ۱۶ و بیشترین سن نیز ۶۸ سال بوده است. از نظر وضعیت تأهل ۳۰/۵ درصد مجرد و ۲۳/۸ درصد متأهل بوده‌اند و در رابطه با تحصیلات هم بیشترین افراد نمونه با تحصیلات دیپلم و ۳۳/۸ درصد و افراد

است.

آزمون مدل نظری

برای آزمون مدل نظری پژوهش از نرم‌افزار AMOS استفاده شده که به صورت یکی از نرم‌افزارهای معادله ساختاری مطرح شده است. مدل ساختاری روشی برای آزمون مدل نظری است و براساس آن، برای کاربرد این تکنیک، پژوهشگر باید مدل نظری پیش‌فرض داشته باشد. در این تکنیک تلاش می‌شود میزان برازش مدل نظری پژوهش نسبت به اطلاعات نمونه‌ای سنجیده شود.

این جدول نشان‌دهنده آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و زباله پراکنی گردشگران در زمان فراغت است. مطابق یافته‌ها رابطه معناداری بین همه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته وجود دارد. مسیر رابطه بین همه متغیرهای جدول، مثبت و مستقیم و بیشترین شدت رابطه مربوط به کنترل اجتماعی رسمی و غیررسمی در رابطه با رفتار فراغت انحرافی گردشگران ضعیف‌تر باشد، زباله‌ریزی آنها در فضاهای زیست‌محیطی بیشتر خواهد شد. این موضوع درباره بی‌مسئولیتی زیست‌محیطی و متغیرهای دیگر نیز صادق



$R^2 = .22$ $RMSEA = 0/02$ $sig = .32$ Degrees of freedom = 2

مدل ۲- مدل مسیر عوامل مؤثر بر زباله پراکنی

همچنین، آماره ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد $RMSEA = 0/02$ نشان‌دهنده برازش قابل قبول مدل مسیر است که نسبت کا به درجه آزادی و آماره تطبیقی نیز در محدوده قابل قبول قرار دارند. به طور کلی این آماره‌ها نشان می‌دهند که

آماره‌های برازش در معادله ساختاری نشان می‌دهند که آیا مدل نظری با داده‌های نمونه تناسب دارند یا خیر. همان‌گونه که در جدول شماره ۴ آمده است، آماره کای اسکوتر ۲.۲۲ معنادار نیست و این امر بیانگر برازش مدل تجربی ارائه شده است.

مدل نظری ما به وسیله اطلاعات نمونه‌ای حمایت شده است و تفاوت معناداری بین دو مدل وجود ندارد.

جدول ۴- شاخص‌های برازش برای سنجش مدل ساختاری

Chi-square	CMIN/DF	NFI	CFI	IFI
۲,۲۲	۱,۱۱	۹۸.	۹۹.	۹۸.

منبع: محاسبات پژوهش

این جدول بیانگر آثار مختلف متغیرهای مستقل بر زباله‌پراکنی افراد است که براساس اطلاعات آن کنترل اجتماعی ضعیف، بیشترین تأثیر مستقیم را بر زباله‌پراکنی گردشگران در زمان فراغت دارد و بعد از آن زباله‌ریزی دیگران قرار دارد. همچنین، بیشترین تأثیر کل نیز مربوط به کنترل ضعیف اجتماعی است و زباله‌ریزی دیگران در مرتبه بعد قرار دارد. اثرگذاری همه متغیرهای حاضر در مدل، مثبت است و این امر بدین معناست که همه متغیرهای مستقل بر زباله‌ریزی گردشگران در زمان فراغت تأثیر افزایشی دارند.

جدول ۵- آثار مستقیم، غیرمستقیم و کلی متغیرهای مستقل میانی و بیرونی بر زباله‌پراکنی

نام متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
ارزیابی مثبت از زباله‌ریزی	۰/۱۴	-	۰/۱۴
کنترل اجتماعی ضعیف	۰/۳۱	۰/۰۲	۰/۳۳
بی‌مسئولیتی زیست‌محیطی	۰/۱۹	۰/۰۵	۰/۲۴
زباله‌ریزی دیگران	۰/۲۳	۰/۰۲	۰/۲۵
محیط کثیف	-	۰/۰۵	۰/۰۵

منبع: محاسبات پژوهش حاضر

نتیجه

امروزه گردشگری به موضوعی مهم در جامعه معاصر تبدیل شده است؛ تا حدی که کشورهای مختلف برای افزایش درآمد ملی به طور جدی بر روی صنعت گردشگری سرمایه‌گذاری می‌کنند. گردشگری فضایی جدی برای گذران اوقات فراغت

افراد در سراسر دنیا محسوب می‌شود؛ به طوری که به جز گردشگری خارجی که طبعاً هزینه‌های بیشتری دارد، افراد و حتی متولیان گردشگری داخلی به این نوع گردش نیز توجه می‌کنند؛ چرا که هر ساله جمعیت زیادی برای گذران اوقات فراغت به نقاط مختلف کشور می‌روند. شاید در نگاه نخست، گردشگری از هر نوع مثبت و دربرگیرنده نوعی فراغت مثبت باشد؛ اما اگر با روشی آسیب‌شناسانه به آن و به ویژه نوع داخلی‌اش توجه شود، گردشگری نوعی فراغت است که به فراغت انحرافی تبدیل می‌شود. از این منظر فراغت انحرافی هر نوع فعالیتی است که گردشگران در زمان فراغت و سفر خود و در تضاد با هنجارهای اجتماعی و زیست‌محیطی انجام می‌دهند. ممکن است گردشگران با رفتارهای خود هنجارهای اجتماعی را نقض کنند؛ به طوری که امروزه آثار منفی و زیان‌بار فراغت بیشتر از جنبه‌های مثبت گردشگری بدل شده است. با توجه به مشاهدات در مناطق گردشگری از جمله سواحل دریا و رودخانه‌ها و طبیعت و پارک‌ها در جامعه ما تقریباً نقض هنجارهای زیست‌محیطی از جمله زباله‌ریزی کاملاً مشهود است؛ بنابراین این مقاله رفتار فراغتی گردشگران را با تأکید بر زباله‌پراکنی آنها در استان مازندران و عوامل مؤثر در آن آسیب‌شناسی کرده است. بر این اساس، این پژوهش با تأکید بر نظریه پنجره شکسته و به روش پیمایشی در میان گردشگران ایام نوروزی در سال ۱۳۹۵ انجام شده است. به این ترتیب رفتار انحرافی زباله‌پراکنی گردشگران به صورت متغیر وابسته در نظر گرفته شده است و متغیرهایی مانند ارزیابی مثبت، کنترل اجتماعی، بی‌مسئولیتی، زباله‌ریزی دیگران و محیط کثیف متغیر مستقل معرفی شده‌اند.

مطابق نظریه پنجره شکسته یک پنجره شکسته و مرمت‌نشده نشان‌دهنده بی‌اهمیتی افراد است و بنابراین شکستن پنجره‌های بیشتر نیز هزینه‌ای را به کسی تحمیل نخواهد کرد (Wilson & Kelling, 1982) بر این اساس طبق نتایج، زباله‌های رها شده در محیط، پنجره‌های شکسته محسوب می‌شوند و خود نیز موجب زباله‌ریزی بیشتر در محیط می‌شوند. در واقع محیط

برای گردشگران موجب ترمیم پنجره‌های شکسته و کاهش بی‌نظمی اجتماعی در فضاهای عمومی می‌شود. طبق نتایج برای پیشگیری از زباله‌پراکنی در میان گردشگران لازم است:

۱- عوامل بازدارنده و کنترلی در اماکن گردشگری به‌خصوص پارک‌ها و سواحل نقش مهمی داشته باشند. در این زمینه به جز برخورد با افرادی که زباله را در محیط رها می‌کنند، به کاربردن ابزارهای تشویقی نیز برای دفع مناسب زباله راهگشاست؛

۲- از طریق فرهنگ‌سازی حساسیت مردم به رفتارهای زیست‌محیطی بیشتر شود تا افراد در جامعه در مقابل زباله‌پراکنی دیگران به‌صورت عملی بازدارنده برخورد کنند؛

۳- در این ارتباط نگرش مردم نسبت به مسئله زباله‌ریزی منفی شود؛ چرا که با مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی افراد نگرش آنها نسبت به ریختن زباله منفی و طبعاً زباله‌پراکنی کمتر خواهد شد؛

۴- محیط‌های گردشگری مانند پارک‌ها و سواحل دریا و رودخانه همواره باید از زباله پاک باشد؛ زیرا مردم در محیط‌های تمیز تمایل کمتری برای ریختن زباله دارند.

منابع

- ابراهیمی، م. (۱۳۹۲). بررسی پیامدهای فرهنگی و اجتماعی گردشگری در شهر محمودآباد ۱۳۹۳/۱۱/۱۵ <http://anthropology.ir/node/13445>
- استعلاجی، ع. ر. و الله‌قلی‌نژاد، م. (۱۳۹۰). «برنامه‌ریزی توسعه پایدار، با تأکید بر گردشگری مطالعه موردی سرعین و روستاهای اطراف»، مجله جغرافیا (فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران)، دوره جدید، س ۹، ش ۳۰، ص ۱۴۴-۱۲۹.
- احمدی، س.؛ نیکدل، ف.؛ حیدری، ع. و کرمی، ع. (۱۳۹۳). «بررسی رابطه میزان کنترل اجتماعی و بی‌نظمی در بین شهروندان شهر دهدشت»، فصلنامه

کثیف که نشان‌دهنده پنجره‌های شکسته است، موجب زباله‌ریختن مردم در محیط زیست می‌شود و طبعاً هرچه زباله‌های رها شده در محیط بیشتر شود، این امر ظاهراً بیانگر زباله‌ریزی بیشتر به دست مردم در محیط است.

گذشته از این، کنترل اجتماعی (رسمی و غیررسمی) نقش مهمی در جلوگیری از نابسامانی و بی‌نظمی محیط دارد. براساس نظریه پنجره شکسته یکی از دلایل تبدیل‌کننده انحرافات کوچک به جرائم بزرگ عکس‌العمل ضعیف عوامل کنترل اجتماعی است. درحقیقت، بی‌نظمی به‌دلیل برخورد نکردن جامعه و سازمان‌های ذی‌ربط است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۳). طبق نتایج حاصل از آزمودن فرضیات پژوهش بین کنترل اجتماعی با زباله‌پراکنی رابطه معناداری وجود دارد؛ بدین‌گونه که هرچه میزان کنترل اجتماعی رسمی و غیررسمی ضعیف‌تر باشد، میزان زباله‌پراکنی نیز به‌صورت یک رفتار انحرافی بیشتر خواهد بود. همان‌طور که پژوهش‌های تجربی نشان داده‌اند منبع کنترل، مانع رفتار انحرافی به‌ویژه زباله‌پراکنی می‌شود (اولاینکا و بلگان، به نقل از فیروزجاییان، ۱۳۹۵) و ضعف کنترل نیز عاملی تأثیرگذار بر بی‌مسئولیتی زیست‌محیطی و ایجاد نگرش مثبت به ریختن زباله است. نتیجه این وضعیت ایجاد محیط کثیف‌تر (پنجره‌های شکسته) در مراکز گردشگری است که طبعاً موجب افزایش زباله‌ریزی در میان گردشگران خواهد شد (غلامرضازاده، ۱۳۹۳).

سرانجام همه متغیرهای حاضر در مدل نظری پژوهش ۲۲/۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تحلیل کرده‌اند. در میان این متغیرها بیشترین تأثیر مستقیم مربوط به کنترل اجتماعی ضعیف است؛ در حالی که اعمال کنترل‌های اجتماعی و مقرراتی درباره پیشگیری از زباله‌پراکنی از جمله در سواحل دریا و جنگل‌ها نقش مهمی در کاهش این رفتار فراغتی انحرافی دارد. طبعاً محیط کثیف نقش بسزایی در زباله‌ریزی گردشگران در فضاهای گردشگری دارد؛ بنابراین پاک‌بودن این فضاها و فراهم کردن امکان دفع مناسب زباله

- Tourism Impacts", *Annals of Tourism Research*, 32(4):1056- 1076.
- Andereck, K. L. Valentine, K. M. Vogt, C. A. and Knopf, R. C. (2007) "A Cross-Cultural Analysis of Tourism and Quality of Life Perceptions", *Journal of Sustainable Tourism*, 15(5):483-502.
- AP, John. (1990) "Residents' Perceptions Research on the Social Impacts of Tourism". *Annals of Tourism Research*, 17:610-615.
- Burgess, R.L. Clark, R.N. and Hendee, J.C. (1971) "An Experimental Analysis of Antilittering Procedures", *Journal of Applied Behavior Analysis*, 4: 71-74.
- Cialdini, R.B. Reno, R.R. Kallgren, C.A. (1990) "A Focus Theory of Normative Conduct: Recycling the Concept of Norms to Reduce Littering in Public Places". *Journal of Personality and Social Psychology*, 58: 1015-1026.
- Davies, J. Foxall, G.R. and Pallister, J. (2002) "Beyond "The Intention-Behaviour Mythology. An Integrated Model of Recycling", *Marketing Theory*, 2: 29-113.
- Finnie, W. C. (1973) "Field Experiments in Litter Control". *Environment and Behavior*, 5: 123-144.
- Gartner, William, C. (1996) *Tourism Development, Principles, Processes & Policies*, New York, John Wiley & Sons, Inc.
- Geller, E. S. Brasted, W. & Mann, M. (1980) "Waste Receptacle Designs and Interventions for Litter Control". *Journal of Environmental Systems*, 9:145-160.
- Geller, E. S. Winett, R. A. & Everett, P. B. (1982) *Preserving the environment: New Strategies for behavior change*. Elmsford, NY: Pergamum.
- Green, C.A. (2001) *The effect of prior litter on sewing class students' clean-up behavior*. http://www.clearinghouse.missouriwestern.edu/de_fault.asp. Curled from the Internet on 14th Dec, 2007.
- Haley, A.J. Snaith, T. Miller, G. (2005) "The Social Impacts of Tourism, A Case Study of Bath, UK". *Annals of Tourism Research*, 32(3): 647-668.
- Hara, T. (2008) *Quantitative tourism industry analysis: Introduction to input output, social accounting matrix modeling and tourism satellite accounts*, New York: Routledge
- Harcourt, B. E. (2001) *Illusion of order: The false promise of broken windows policing*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Horna, J. (1994) *The study of leisure: An introduction*. Toronto: Oxford University Press.
- پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، س ۳، ۲، ص ۳۵-۴۶.
- تقوی، م. و قلی‌پور سلیمانی، ع. (۱۳۸۸). «عوامل مؤثر بر رشد گردشگری ایران»، پژوهش‌نامه اقتصادی، س ۹، ش ۳، ص ۱۵۷-۱۷۲.
- تقدیسی، ا.؛ تقوایی، م. و پیری، س. (۱۳۹۱). «تحلیلی بر نگرش جامعه میزبان به آثار اجتماعی فرهنگی گردشگری شهرستان دالاهو»، برنامه‌ریزی فضایی، س ۲، ش ۱، ص ۱۴۰-۱۲۱.
- ضیایی، م. و ترابیان، پ. (۱۳۸۹). «سنجش میزان قابل قبول آثار منفی اجتماعی گردشگران، بر جوامع محلی در ایران (مورد مطالعه سکونتگاه‌های روستایی حوزه تالاب پریشان)»، جغرافیا، دوره جدید، س ۸، ش ۲۷، ص ۲۰۵-۲۲۵.
- فیروزجائیان، ع. و غلام‌رضازاده، ف. (۱۳۹۵). «تحلیل عوامل مؤثر بر بی‌نظمی اجتماعی (با تأکید بر رفتار زیاله‌پراکنی)»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، س ۲۷، ش ۶۱، ص ۹۵-۱۱۲.
- قرخلو، م.؛ رمضان‌زاده لسبویی، م. و گلین شریف‌دینی، ج. (۱۳۸۸). «اثرات زیست‌محیطی گردشگری بر سواحل رامسر»، فصلنامه پژوهشی جغرافیای انسانی، س ۱، ش ۳، ص ۱۲-۱.
- غلام‌رضازاده، ف. (۱۳۹۳). تحلیل جامعه‌شناختی زیاله‌پراکنی در میان گردشگران (مطالعه موردی گردشگران استان مازندران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش اجتماعی، دانشگاه مازندران.
- نوری، م. (۱۳۷۹). «درآمدی جامعه‌شناسی بر اوقات فراغت»، فرهنگ اصفهان، س ۱۳، ش ۲۵، ص ۹۹-۱۰۴.
- نوابخش، م. و صامی، س. (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی گردشگری شهری، تهران: بهمن برنا.
- Andereck, Kathleen, L. Valentine, Karin, M. Knopf, Richard, C. Vogt, Christine, A. (2005) "Residents' Perceptions of Community

- Mason, P. (2003) *Tourism Impacts, Planning and Management*. Luton, UK: Head of Tourism and Leisure Department, University of Luton.
- Nillahut, W. (2010) *Local Resident's Perception Towards Impacts From Tourism Development in Phuket, Thailand, Doctor of Philosophy*, University Sains Malaysia, Penang, Malaysia.
- Pizam, A. Milman, A. and King, B. (1993) "The Perceptions of Tourism Employees and their Families toward Tourism". *Tourism Management*, 15:53-61.
- Reiter, S. M. & Samuel, W. (1980) "Littering as a Function of Prior Litter and the Presence or Absence of Prohibitive Signs". *Journal of Applied Social Psychology*, 10: 45-55.
- Rojek, C. (1999) "Abnormal Leisure: Invasive, Mephitic, and Wild forms". *Society and Leisure*, 22(1): 21-37.
- Stokols, D. & Altman, I. (Eds.) (1987) *Handbook of Environmental Psychology*, Vols.1- 2. John Wiley, NY.
- Stebbins, R. (1996) *Tolerable differences: Living with deviance* (2nd Ed.) Toronto: McGraw-Hill Ryerson Limited.
- Schultz, P.W. Bator, R.J. Large, L.B. Bruni, C.M. and Tabanico, J.J. (2013) "Littering in Context: Personal and Environment Predictors of Littering Behavior", *Environment and Behavior*, 45(1): 35-59.
- Tyrrell, T. J. (1984) "A Survey of Attitudes Toward Tourism Growth in Rhode Island", *Journal of Hospitality & Tourism Research*, 8(2): 22-33.
- Wilson, J. & Kelling L. (1982) "Broken Windows; The Police and Neighborhood Safety". *The Atlantic Monthly*, 249: 29-38.
- The United Nations World Tourism Organization (UNWTO) (2006) *Sixty Years of Organization Serving World Tourism (1946-2006)*, www.unwto.org
- Harms, E. (2010) "Sustainable Tourism: From Nice to Have to Need to Have, In Roland Conrady", *Trends and Issues in Global Tourism*, 3: 111-116.
- Jaafar, M. Ismail, S. Rasoolimanesh, S. M. (2015) "Perceived Social Effects of Tourism Development: A Case Study of Kinabalu National Park", *Theoretical and Empirical Researches in Urban Management*, 10(2):5-20.
- Kelling, G. L. & Coles, C. M. (1998) *Fixing broken windows: Restoring order and reducing crime in our communities*. New York, NY: Free Press.
- Kelly, J. R. & Freysinger, V. J. (2000) *21st Century Leisure: Current Issues*. Allyn & Bacon.
- Keizer, K. & Lindenberg, L. (2008) "The Spreading of Disorder", *Science Express*, 322: 5908, 1681 - 1685.
- Keizer, K. Lindenberg, S. & Steg, L. (2011) "The Reversal Effect of Prohibition Signs". *Group Processes & Intergroup Relations*, 14: 681-688.
- Keenan, M. (1996) "The A, B, C of Litter Control". *Irish Journal of Psychology*, 17(4): 327-339.
- Krauss, R. M. Freeman, J. L. & Whitcup, M. (1978) "Field and Laboratory Studies of Littering". *Journal of Experimental Social Psychology*, 14:109-122.
- Lee, H. (1997) *Social Carrying Capacity of Tourism Planning At an Alternative Tourism Destination: Crowding, Satisfaction and Behavior*, Ph.D Dissertation, The Pennsylvania State University.
- Liu, J. C. and Var, T. (1986) "Resident Attitudes Toward Tourism Impacts in Hawaii", *Annals of Tourism Research*, 13(2):193-214.
- Mason, P. (1995) *Tourism: Environment and Development Perspectives*. Godalming, UK, World Wide Fund for Nature.